

نگاه

توسعه علیه حافظه شهر



محمد صالح زاده

پژوهشگر مسائل شهری

کلید هنوز در قفل زنگ‌زده مانده است. کسی نمی‌داند آخرین بار چه کسی در را بست؛ چه کسی برای آخرین بار از ایوان گذشت، پرده‌های بلند را کنار زد و پنجره‌های چوبی را رو به باران کشود. بالای سردر، عدد «۱۳۲۴» هنوز پابرجاست؛ نشانی از روزگاری که این خانه تازه متوله شده بود. امروز اما همان کلید بیش از آنکه وعده‌گشودن درِی را بدهد، گویی آخرین شاهد خانه‌ای است که هر لحظه ممکن است از نقشه رشت محو شود.

در یکی از روزهای بارانی رشت، مقابل عمارت لالمی ایستادم. باران آرام بر شیروانی می‌بارید؛ همان بارانی که نزدیک به یک قرن است بی‌وقفه بر این سقف فرود آمده و رفت‌وآمد نسل‌های مختلف را دیده است. رهگذران بدون آنکه سر بلند کنند، از کنار دیوارهایش عبور می‌کردند. کمتر کسی به پنجره‌های رنگ‌باخته، ستون‌های چوبی یا ایوان خاموش آن نگاه می‌کرد. برای بسیاری، این فقط ساختمانی قدیمی در مرکز شهر است؛ بنایی فرسوده که دیر یا زود باید جایش را به سازه‌ای تازه، سودآور و بلندتر بدهد.

اما شهرها فقط از خیابان، آسفالته و برج ساخته نمی‌شوند؛ هر شهر، حافظه‌ای دارد که در آن‌جرا، ایوان‌ها، درهای چوبی و حیاط‌های زندگی می‌کند. اگر این حافظه از میان برود، شهر هرچقدر هم نوساز و پربهاهو باشد، چیزی از هویت خود را از دست می‌دهد.

عمارت لالمی تنها یک خانه نیست؛ اگر دیوارهایش زبان داشتند، از روزگاری سخن می‌گفتند که رشت دروازه ارتباط ایران با قفقاز و روسیه بود؛ زمانی که کالسکه‌های بازرگانان در خیابان‌های شهر رفت‌وآمد می‌کردند، بوی ابریشم و چای در بازار می‌پیچید و صدای زبان کیلکی در کوچه‌ها به هم می‌آمیخت. این شهر، بیش از بسیاری از شهرهای ایران، با مظاهر تجدد آشنا شد؛ شهری که انجمن‌های فرهنگی، روزنامه‌ها، مدارس نوین و کافه‌هایش بخشی از تاریخ روشنفکری ایران را رقم زدند. خانه‌های آن دوره فقط محل سکونت نبودند؛ آنها روایتگر سبک زندگی، مناسبات اجتماعی و فرهنگ شهری بودند. هر ایوان، هر ارسی، هر حوض و هر درخت حیاط، بخشی از قصه رشت را در خود حفظ کرده بود. خانه لالمی نیز از همان جنس است؛ خانه‌ای که ارزشش تنها در معماری‌اش نیست، بلکه در خاطره‌ای است که از یک دوران با خود حمل می‌کند.

با این حال، سال‌هاست در رشت ارزش زمین از ارزش تاریخ پیشی گرفته است. در معادلات توسعه شهری، اغلب قیمت هر مترمربع زمین با دقت محاسبه می‌شود، اما کمتر کسی بهای ازدست‌رفتن حافظه یک شهر را برآورد می‌کند. خانه‌ای که دهه‌ها بخشی از هویت یک محله بوده، ناکهان به «بلاک قابل‌تجمع» یا «فرصت سرمایه‌گذاری» تقلیل می‌یابد. این همان نقطه‌ای است که توسعه، بدون آنکه متوجه باشد، از حافظه عبور می‌کند.

مشکل تنها کمبود منابع مالی یا فرسودگی بناها نیست؛ قوانین حفاظت از میراث، بسیاری از خانه‌های ارزشمند را به دلیل ثبت‌نشدن، بی‌دفاع رها کرده‌اند. از سوی دیگر، مالکی که هزینه نگهداری یک خانه تاریخی را می‌پردازد، معمولاً از هیچ حمایت مؤثر، معافیت مالیاتی یا مشوق اقتصادی برخوردار نیست. در چنین شرایطی، تخریب بنا و ساخت آپارتمان، از نگاه اقتصادی، تصمیمی قابل‌پیش‌بینی است؛ اما آنچه در این محاسبه جایی ندارد، زبان اجتماعی و فرهنگی است که بر شهر تحمیل می‌شود.

این مسئله فقط به عمارت لالمی محدود نیست؛ در سال‌های اخیر، رشت بارها شاهد خاموش‌شدن خانه‌هایی بوده که هر یک بخشی از حافظه جمعی شهر را با خود برده‌اند. همان‌گونه که آتش‌سوزی بازار تاریخی، تنها سوختن چند مغازه نبود، تخریب هر خانه تاریخی نیز فقط حذف یک ساختمان نیست؛ هر بار صفح‌ای از تاریخ این شهر از کتاب حافظه جمعی جدا می‌شود.

کافی است چند قدم آن‌سوتر، در میدان شهرداری بایستیم. برج ساعت هنوز زمان را اعلام می‌کند. گردشگران عکس می‌گیرند، کافه‌ها شلوغ‌اند و خیابان‌ها پر از زندگی است. رشت، در ظاهر شهری زنده و پویاست؛ اما همین شهر، در پشت دیوارهای خاموش خانه‌های تاریخی‌اش، آرام‌آرام بخشی از گذشته خود را از دست می‌دهد. تناقض تلخی است؛ شهری که چهره‌اش را مرمت می‌کند، اما حافظه‌اش را نه.

عمارت لالمی امروز بیش از آنکه یک بنای قدیمی باشد، آزمونی برای نگاه ما به شهر است. اینکه آیا شهر را فقط مجموعه‌ای از املاک و پروژه‌ها می‌بینیم یا موجودی زنده که گذشته، حال و آینده‌اش به هم پیوسته‌اند. شاید روزی این خانه دیگر وجود نداشته باشد؛ شاید کلید زنگ‌ده‌اش زیر آوار دفن شود و جای ایوانش، سایه برجی تازه بر زمین بیفتد. اما آنچه از میان خواهد رفت، تنها چند دیوار و چند پنجره نیست؛ یا فرو ریختن هر خانه تاریخی، بخشی از حافظه رشت نیز فرو می‌ریزد؛ حافظه‌ای که دیگر با هیچ بودجه عمرانی، هیچ برج بلند و هیچ پروژه نوسازی‌ای قابل بازسازی نخواهد بود.

خبر

۷ شهر کشور در فهرست ۱۵ نقطه گرم زمین

خبر آنلاین: براساس جدیدترین داده‌های جهانی هواشناسی، بندر دیر در استان بوشهر با ثبت دمای ۴۸٫۶ درجه سانتی‌گراد، در صدر فهرست گرم‌ترین شهرهای جهان طی ۲۴ ساعت گذشته قرار گرفت. در این فهرست، نام هفت شهر ایران نیز در میان ۱۵ نقطه گرم کره زمین دیده می‌شود. پس از بندر دیر، شهرهای العمارات، رستاق، سونینه، صور و سمائل از عمان، برج باج مختار الجزایر، جیبوتی، بیلما در نیجر و چند شهر دیگر در فهرست گرم‌ترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند.

براساس این آمار، علاوه بر بندر دیر، شهرهای کهنوج (۴۶٫۸ درجه)، ده‌لران (۴۶٫۷ درجه)، اهواز (۴۶٫۱ درجه)، لرد (۴۶ درجه)، صفی‌آباد دزفول (۴۵٫۹ درجه) و کاشان (۴۵٫۸ درجه) نیز در میان ۱۵ شهر گرم جهان قرار دارند. همچنین سازمان هواشناسی از تداوم موج گرما در بخش زیادی از کشور طی روزهای آینده خبر داده و پیش‌بینی کرده است که روند افزایش دما و شرایط کم‌سابقه گرمایی در هفته پیش‌رو نیز ادامه داشته باشد.

زینب رحیمی: «جاده‌های غیرقانونی دماوند سرمنشأ فساد و مصیبت برای این کوه است. از طریق همین‌ها، مسیر برای تردد آفرودسوارها و گردشگران بی‌ضابطه و شکارچیان غیرقانونی تسهیل می‌شود. در نتیجه،اگر وزارت میراث فرهنگی قصد دارد دماوند را به ثبت جهانی برساند، باید قدمی نیز برای بستن این جاده‌ها بردارد.»

ایرانیان ۱۳ تیرماه را به‌عنوان روز ملی دماوند می‌شناسند؛ روزی که بلندترین کوه ایران در فهرست آثار طبیعی ملی قرار گرفت. با این وجود، هنوز دماوند جایی رسمی در تقویم خورشیدی ندارد.

به ۱۸ سال قبل برمی‌گردیم؛ وقتی در روز ۱۳ تیرماه سال ۱۳۸۷ کوه دماوند به‌عنوان اثر طبیعی ملی به ثبت رسید؛ در دوره‌ای که «محمود احمدی‌نژاد» رئیس‌جمهور و «اسفندیار رحیم‌مشایی» رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری بودند. از آن روزها نزدیک به دو دهه می‌گذرد، اما خواسته دستداران دماوند برای ثبت ملی روز دماوند در تقویم هنوز محقق نشده است.

ایرانیان، به‌ویژه کوهنوردان و فعالان محیط زیست، ۱۳ تیرماه هر سال روز ملی دماوند را پاس می‌دارند. برخی گروه‌ها هرساله با حضور در دامنه این کوه، با برگزاری دوره‌می و جلسات فرهنگی، بر اهمیت حفظ و حراست از این نماد ملی طبیعی تأکید می‌کنند. در سال‌های گذشته کوهنوردان، فعالان محیط زیست و شهروندان علاقه‌مند به دماوند، بارها با امضای طومارهایی خواستار ثبت‌نام روز دماوند در تقویم شدند. افزون بر این، جامعه مدنی که انتظار داشت وزارت میراث فرهنگی و وزارت ارشاد در ثبت روز ملی دماوند در تقویم پیشدستی کنند، وقتی متوجه تبلت دستگاه‌های دولتی شد، خود دست به کار شده و پیشنهاد ثبت روز ملی دماوند در تقویم را مطرح کردند. انجمن دوستداران دماوندکوه پیشتاز این پیشنهاد بود. این انجمن به همراه فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی، انجمن کوهنوردی ایران و انجمن دوستداران لاریجان، در سال ۱۳۹۷ با هدف حفظ و احیای زیست‌بوم دماوند توسط سازمان‌های دولتی و جوامع کوهنوردی، گردشگری، دامداران، رزنیورداران و همچنین به منظور مراقبت همه‌جانبه از این اثر طبیعی ملی، یادآوری اهمیت قله دماوند و جلب توجه افکار عمومی به حفاظت از این اثر طبیعی ملی، پیشنهاد کردند که سیزدهم تیرماه هر سال به‌عنوان «روز ملی دماوند» نام‌گذاری و در تقویم خورشیدی ثبت شود.

تعلل در ثبت روز ملی دماوند در تقویم

«مهدی مسچی»، عضو انجمن دوستداران دماوند، در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه برای اولین بار هفت سال قبل درخواست ثبت ملی روز دماوند در تقویم را مطرح کردند، می‌گوید: «اصرار داشتیم روز ۱۳ تیرماه هر سال با عنوان روز دماوندکسوه نام‌گذاری شود؛ چون این تاریخ با هیچ واقعه تاریخی یا مذهبی تقارن و هم‌زمانی ندارد. اما بعد از گذشت نزدیک به یک دهه از طرح پیشنهاد ما، هنوز این درخواست به سرانجام نرسیده است». درخواست گروه‌های کوهنوردی و دوستداران دماوندکوه برای ثبت روز دماوند در تقویم ایرانیان، در سال ۱۴۰۰ در شورای فرهنگ عمومی، به‌عنوان زیرمجموعه شورای انقلاب فرهنگی، مصوب و تأیید می‌شود؛ یا این حال، بنا بر گفته مدیر انجمن دوستداران دماوندکوه، این پیشنهاد با وجود تصویب در شورای عمومی فرهنگ، هنوز نهایی نشده و در شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به تأیید نرسیده است. او از نهادهای دولتی به دلیل تعلل در ثبت روز دماوند در تقویم گلایه می‌کند: «مشخص نیست آیا اصلاً پرونده دماوند را وزارت میراث فرهنگی و گردشگری به شورای عالی انقلاب ارائه کرده یا خیر؟ شاید هم میراث فرهنگی پرونده دماوند را به شورای عالی انقلاب برده، اما این شورا طرح را امضا و تأیید نکرده است. راستش نمی‌دانیم کارشنکنی از سمت کدام نهاد صورت گرفته است. جواب روشنی نیز به مطالبه ما داده نمی‌شود.»

تغییر دولت سدر راه ثبت ملی دماوند

در سال ۱۴۰۰ رئیس وقت فدراسیون کوهنوردی و صعودهای ورزشی در نامه‌ای خطاب به معاون امور فرهنگی و توسعه ورزش همگانی، با اشاره به مطرح‌شدن پیشنهاد نام‌گذاری روز ۱۳ تیرماه به‌عنوان «روز ملی قله دماوند» در وزارت ارشاد اسلامی در سال ۸۷، تأکید کرده است که با وجود ارجاع این درخواست به شورای عالی انقلاب فرهنگی، به دلیل تغییر دولت، این طرح مسکوت مانده است؛ در نتیجه،

۱۸ سال از ثبت دماوند در فهرست آثار طبیعی ملی می‌گذرد، اما پرونده‌های ثبت جهانی و روز ملی آن همچنان بلاتکلیف است

پرونده ناتمام «دماوند»

فدراسیون کوهنوردی در سال ۱۴۰۰ از معاونت فرهنگی درخواست کرده پیگیری لازم را برای نهایی‌شدن ثبت روز ملی دماوند در تقویم از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام دهد. اما از تاریخ نوشتن این نامه و درخواست پنج سال می‌گذرد و دستداران دماوند همچنان چشم‌انتظار نام‌گذاری رسمی روز دماوند در تقویم هستند.

مسچی، فعال محیط زیست و عضو انجمن دوستداران دماوندکوه، با اشاره به ویژگی‌های طبیعی دماوند می‌گوید: «در این کوه، چند یخچال طبیعی و دائمی وجود دارد که پدیده‌ای بسیار کم‌نظیر در ایران است. پدیده دیگر، حفره‌های متعددی است که گاز و بخار گوگرد با فشار زیاد از آنها بیرون می‌جهد که همین‌ها در کنار وجود توده‌های گوگرد، دماوند را به صورت یک آتشفشان نیمه‌فعال درآورده است. افزون بر این، چشمه‌های آب گرم و چشمه‌های آب سرد در نزدیکی هم، چشمه‌های آب معدنی در کوهپایه‌های دماوند، وجود دهانه بزرگ آتشفشانی با حوضچه‌ای یخی در میانه کوه، شکل مخروطی پرشپب و خوش‌تراش و خوش‌ریخت دماوند که ظاهری چشم‌نواز به دماوند داده است.»

دست‌درازی به بلندترین کوه ایران

همه این ویژگی‌های منحصربه‌فرد دماوند و حتی قرارگرفتن آن در فهرست آثار طبیعی ملی، مانع دست‌اندازی به بلندترین کوه ایران نشده است؛ از فعالیت‌های معدنی مجموعه‌ها و نفرات پرنفوذ و پرقدرت تا جاده‌کشی‌های غیرقانونی، بخشی از روزهای تلخ و پرترشی است که برای دماوندکوه و دستداران آن رقم خورده است. تخریب‌های گسترده که دست‌انداز ثبت جهانی دماوند در سال‌های گذشته شده است.

وزارت میراث فرهنگی و گردشگری مسئولیت تکمیل پرونده دماوند و پیگیری آن برای ثبت جهانی را بر عهده دارد، اما مسچی، مدیر انجمن دستداران دماوند، از عملکرد این وزارتخانه انتقاد می‌کند: «هشت معدن بزرگ و فعال در دماوند که هر یک از آنها به نهادهای قدرت و افراد پرنفوذ وابسته بودند، با پیگیری انجمن دوستداران دماوندکوه و فعالان محیط زیست بسته و تعطیل شدند. این معادن به نهادهایی مثل بنیاد مستضعفان، سازمان اوقاف و شهرداری رینه وابسته بودند. آخرین مدنی که با خون دل بسیار و تبعات و تنگناهای فراوان بسته شد، معدن ملک‌آباد بود. گرفتن حکم تعطیلی و اجرای هر یک از معادن چند سال زمان برد و دردرهای بسیاری برای ما ایجاد کرد.»

نماینده انجمن دوستداران دماوند بخشی از آسیب‌ها و دشواری‌هایی را که در مسیر تعطیلی معادن متحمل شده است، توضیح می‌دهد و می‌گوید: «گاهی معادن با وجود دریافت رای دادگاه مبنی بر توقف و تعطیلی فعالیت، به‌طور مخفیانه کار می‌کردند و شبانه با آوردن لودر و تجهیزات، دست به برداشت از کوه می‌زدند. گاهی نیمه‌شب به این معادن سر می‌زدیم و می‌دیدیم که به‌طور غیرقانونی مشغول کار هستند. ماجرا به حدی بالا گرفت که به رویارویی و تقابل شدید ما و محیط‌بانان مازندران یا هلدینگ معادن کشید.» مسچی با اشاره به اینکه در روزهای پایانی سال ۹۹ آخرین معدن دماوند هم تعطیل و بسته شد، ادامه می‌دهد: «بیشترین بهره‌برداری مربوط به معدن پوکه بود و آنها بعد از تعطیل‌شدن معدن نیز قصد داشتند پوکه‌های زیر سرندی را خارج کنند، اما در برابر این خواسته غیرقانونی مقاومت کردیم. این معادن بیشتر از ۳۵ سال از دماوند بهره‌برداری می‌کردند و با وجود فشار و تهدیدهایشان در نهایت متوقف شدند.»

نمادهای ملی مورد بی‌مهری مدیران میراث فرهنگی

او با تأکید بر اینکه در کشور ما متأسفانه مسائل ملی مورد توجه و اهتمام مسئولان قرار نمی‌گیرد، این‌طور ادامه می‌دهد: «متأسفانه نمادهای ملی مورد بی‌مهری مدیران از بالا تا پایین است. دماوند نماد ملی پایداری و استقامت و بهانه‌ای برای تفاخر میهنی است، اما مدیران دست روی دست گذاشته‌اند. همه می‌دانیم مسئول تکمیل پرونده ثبت جهانی قله دماوند، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است و بقیه دستگاه‌های دولتی از جمله سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان منابع طبیعی آبخیزداری باید کمک‌حلال وزارت میراث در این مسیر باشند؛ اما خود وزارت میراث فرهنگی هیچ تکانی نمی‌خورد و تکلیف خود را روی گذاشته است.» مسچی در پاسخ به این پرسشش که چه مواردی مانعی بر سر راه جهانی‌شدن دماوند است؟ می‌گوید: «وزارت میراث فرهنگی

معتقد است تا قبل از بسته‌شدن جاده‌های دماوند، امکان طرح ثبت جهانی دماوند در یونسکو وجود ندارد، اما حرف می‌این است که میراث فرهنگی به‌عنوان یک نهاد دولتی که وظیفه تکمیل پرونده دماوند به‌منظور ثبت جهانی آن بر عهده دارد، برای بسته‌شدن این جاده‌های غیرقانونی چه کرده است؟ چرا درخواست بسته‌شدن این جاده‌ها را مطرح نمی‌کنند؟ چرا دست روی دست می‌گذارند؟ همه کارها را باید انجمن‌های دستدار دماوند انجام دهند؟ مگر ما چقدر توان، زور و نفوذ داریم‌که بتوانیم این‌کار را به تهایی به سرانجام برسانیم؟»

مدیر انجمن دوستداران دماوندکوه با اشاره به اینکه جاده‌های جنوبی، شمال شرقی و غربی دماوند غیرقانونی و غیرمجاز کشیده شده‌اند و پیگیری‌های بسیاری برای بسته‌شدن آنها انجام شده است، می‌گوید: «این جاده‌های دسترسی به معادن بود؛ حالا که معادن را تعطیل کرده‌ایم، این جاده‌ها چرا باید پابرجا باشند؟ این جاده‌ها سرمنشأ فساد و مصیبت برای دماوند است؛ چون از طریق همین‌ها، مسیر برای تردد آفرودسوارها و گردشگران بی‌ضابطه و شکارچیان غیرقانونی تسهیل می‌شود. ما کارهای مربوط به بسته‌شدن جاده را انجام داده‌ایم، اما متأسفانه نیازمند طی مراحل قانونی و امضای مسئولان است. در نتیجه اگر وزارت میراث فرهنگی قصد دارد دماوند را به ثبت جهانی برساند، باید قدمی هم آنها برای بستن این جاده‌ها بردارد.» بنا بر گفته مدیر انجمن دوستداران دماوند، هرساله افراد و گروه‌های مختلف ازجمله فعالان فرهنگی و محیط‌زیستی، کوهنوردان، استادان و دانشگاہیان، انجمن‌های علاقه‌مند و دستدار دماوند با حضور در پای کوه دماوند و حتی با امضای طومار و سردادن شعارهایی خواستار ثبت جهانی دماوند می‌شوند، اما این خواسته هنوز محقق نشده است.

نفوذ ذی‌نفعان جاده‌های غیرقانونی در شورای رینه

او با تأکید بر اینکه ذی‌نفعان جاده‌های غیرقانونی ازجمله قاطرچی‌ها مانع بسته‌شدن قطعی این مسیرها شده‌اند، توضیح می‌دهد: «با شورای رینه و ناندل و جوامع محلی با توافق رسیدیم که یک‌ماهه جاده‌ها را ببندیم، اما عضویت تعدادی از قاطرچی‌ها به‌عنوان ذی‌نفعان جاده‌ها در شورا‌های رینه موجب شده است تعطیلی جاده‌ها عقب بیفتد؛ چون این افراد درآمد چند میلیاردی از این جاده دارند. فدراسیون کوهنوردی نیز ذی‌نفع بوده و با وجود موافقت شفاهی، سد راه بستن جاده‌ها شده است.» این فعال محیط زیست با اشاره به اینکه طی یک ماه تنها از ضلع جنوبی دماوند ۹ و نیم تن رینه زباله پایین آورده شده است، تأکید می‌کند: «سهولت مسیر در دماوند باعث شده سیل گردشگران بی‌ضابطه به ارتفاعات دسترسی آسان داشته باشند، گردشگرانی که زباله خود را در دماوند رها می‌کنند. سؤال من این است؛ چرا فدراسیون کوهنوردی، ادارات کل محیط زیست و منابع طبیعی استان مازندران جلوی جاده‌های دماوند را نمی‌گیرند؟ چرا همه کارها بر دوش ما افتاده است؛ مایی که توان و نفوذی نداریم.» مسچی که سابقه بیش از پنج دهه کوهنوردی دارد، ضمن ابراز علاقه دیرینه خود به دماوند و تأکید بر جایگاه این کوه در اسطوره‌های ایرانی و ادبیات فارسی، به ارزش‌های اوکولوژیکی دماوند اشاره کرده و می‌گوید: «وجود پارک ملی دشت لار، دشت پرگل‌وکیاه نمارستاق، دشت پرگل شقایق نوازندی، دره بریج‌وخم سه‌سنگ و آبگیرهای خیال‌انگیز در دره‌های فرعی آن و گردنه بسیار عظیم سرداغ، ستیغ هفت‌سران ازجمله دارایی طبیعی دماوند است. علاوه بر این، دماوند زیستگاه حیات وحش و جانورانی همچون خرس، گراز، کرک، روباه، پلنگ، کل و بز، قوچ و میش، عقاب طلایی، کبک، انواع مار، ماهی قزل‌آلا و بسیاری از گونه‌های کمیاب دیگر است.»

خبرخوان

غربالگری سلامت روان دانش‌آموزان

ایستنا: مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با تأکید بر ضرورت اجرای یکپارچه برنامه‌های سلامت روان کودکان و نوجوانان، از فعالیت ۱۲۰ مرکز سراج در کشور خبر داد و گفت: «خدمات تخصصی به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان با همکاری وزارت آموزش و پرورش در حال گسترش است.»

محمدرضا شالبافان درباره ضرورت توجه به سلامت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان تأکید کرد: «مسئله سلامت روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان باید در کانون توجه ویژه قرار گیرد. باید سلامت اجتماعی و روانی کودکان و نوجوانان در قالب برنامه یکپارچه عملیاتی شود تا از مولزی‌کاری جلوگیری کرد.»

او درباره اجرای برنامه‌های مراقبتی از دانش‌آموزان گفت: «وزارت آموزش و پرورش، متولی اصلی اجرای برنامه اجتماعی دانش‌آموزان» است که با همکاری دیگر وزارتخانه‌ها مانند وزارت بهداشت به بررسی سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد.

مواردی که به درمان‌های تخصصی نیاز دارند، به محیط‌های درمانی ارجاع داده می‌شوند؛ براساس این، وزارت بهداشت، نقش مؤثری در ارائه خدمات روان‌شناسی، روان‌پزشکی و مددکاری به این گروه دارد.» این روان‌پزشک با بیان اینکه ۱۲۰ مرکز سراج (سلامت روانی اجتماعی) در کشور فعالیت می‌کنند، ادامه داد: «روند افتتاح مراکز جدید سراج با سرعت بالایی از ابتدای سال جاری آغاز شده، به‌طور مثال، به‌عنوان اولین مرکز جدید در سال جاری یک مرکز سراج در شهرستان میناب افتتاح شد. اگرچه تمام مراکز سراج موظف به ارائه خدمت برای تمام افراد جامعه هستند، اما ارائه خدمات به جمعیت کودکان و نوجوانان از وظایف اصلی این مراکز به‌شمار می‌رود. همچنین ارائه خدمات به خانواده دانش‌آموزانی که به مراکز سراج مراجعه می‌کنند و برای دریافت خدمات تخصصی ارجاع داده می‌شوند، خدمت ویژه و متمرکز بر نیازهای کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود.»

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت درباره اجرای غربالگری‌ها توضیح داد: «وزارت آموزش و پرورش، متولی اجرای برنامه «نما» است؛ بنابراین، غربالگری اولیه و تشخیص بسیاری از اختلالات برعهده این وزارتخانه است. دراین‌میان وزارت بهداشت به‌عنوان دریافت‌کننده موارد ارجاعی برای ارائه خدمات تخصصی به حساب می‌آید. البته ارائه خدمات فقط به ارجاع برنامه‌نماد محدود نمی‌شود، چراکه بسیاری از دانش‌آموزان و خانواده آنها برای دریافت خدمات به مراکز جامع خدمات سلامت و مراکز سراج نیز مراجعه می‌کنند.» شالبافان ادامه داد: «این احتمال وجود دارد که برخی مراجعه‌کنندگان در بیمارستان‌ها بستری شوند. پس از ترخیص، روان‌شناسان شبکه‌های بهداشتی در دانشگاه‌های علوم پزشکی خدمات تخصصی موردنیاز و پیگیری‌های مربوطه را ارائه می‌دهند.»

او با بیان اینکه برخی مناطق در جنگ اخیر آسیب بیشتری دیده‌اند، توضیح داد: «جمعیت عمومی در برخی مناطق کشور مانند شهرستان میناب آسیب بیشتری دیده‌اند. به‌این‌ترتیب برنامه ویژه‌ای با محوریت وزارت بهداشت برای مناطقی که جمعیت عمومی آسیب بیشتری دیده‌اند، برنامه‌ریزی کرده‌ایم و در حال تداوم برنامه در مناطقی هستیم که میزان آسیب در جمعیت عمومی به‌ویژه کودکان و نوجوانان بیشتر است.»

شالبافان گفت: «غربالگری اولیه در مناطقی که میزان آسیب عمومی به‌ویژه در میان دانش‌آموزان بیشتر است با همکاری بین‌بخشی و با همکاری وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود.»